



برساخت‌های ذهنی مدیران آموزشی از برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس^۱

Mental Constructions of Educators from the Entrepreneurship
Education Curriculum for Schools

تاریخ دریافت مقاله: ۱۶/۱۱/۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۰/۰۵/۱۳۹۸

J. Omid
A. Gholtaash (PH.D)
A.A. Mashinchi (PH.D)

S.A.Hashemi (PH.D)

سیداحمد هاشمی^۳

جمشید امید^۲

علی اصغر ماشینچی^۵

عباس قلتاش^۴

Abstract: The purpose of this research is to investigate the mental structures of educational managers, experts and professors in the field of curriculum and entrepreneurship in schools. The researcher's intention could be discovering the subject of the research with the view of the participants in the research, which was done by a qualitative method with grounded theory.

From the statistical population that included educational managers, experts and professors in the curriculum and entrepreneurship, a sample of 30 individuals were selected by purposeful method for the interviews. The data analysis was conducted using open, focal and selective coding and the findings were presented in the form of paradigm and native theory. The results of the study indicated that in the selection coding stage, the relationship between the criteria of the entrepreneurship education curriculum model was determined in the form of narrative analysis. Accordingly, "designing an entrepreneurship education curriculum" as a pivotal category based on the causal conditions of "environmental policies and objectives" "And" Relationship with the job market "and through the strategies of" coach participation in the production of curriculum "and" continuous engagement with scientific centers ", taking into account" receptor attributes ", " as a model ground ", are realized and lead to the realization of" Educational, Educational and Economic Consequences". The reliability of the findings was confirmed by long participation methods and continuous observation in the field of research, peer review and approval of the participants.

Keywords: curriculum, entrepreneurship, mental structures of managers, schools.

چکیده: هدف این مقاله، بررسی برساخت‌های ذهنی مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی در مدارس است و قصد محقق می‌تواند کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق باشد که با روش کیفی با استراتژی گراندد تئوری انجام شده است.

جامعه آماری برای انجام مصاحبه جهت مفهوم‌سازی، مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی هستند و نمونه آماری ۳۰ نفر از آنها بودند که به روش هدفمند انتخاب شدند و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق از نوع مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است. نتایج نشان داد که در مرحله کدگذاری انتخابی نیز، ارتباط میان معیارهای الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در قالب تحلیل روایت تحقیق، تعیین شدند و بر این اساس «طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقوله محوری بر مبنای شرایط علی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» و از طریق راهبردهای «مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان»، «به عنوان زمینه الگو» محقق می‌شود و منجر به تحقق «پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی» می‌گردد. قابلیت اعتماد یافته‌ها به روش‌های مشارکت طولانی و مشاهده مداوم در میدان تحقیق، بررسی همکاران و تأیید مشارکت‌کنندگان تأیید شد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، کارآفرینی، برساخت‌های ذهنی مدیران، مدارس.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «طراحی و اعتبار بخشی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس» است.

۲. دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

jamshidomidi447@yahoo.com

hmd_hashemi@yahoo.com

۳. دانشیار برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران

gholtaash578@yahoo.com

۴. دانشیار برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران

mashinchi56@gmail.com

۵. استادیار برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران



مقدمه و بیان مسأله

رابطه نظام آموزشی و جامعه رابطه‌ای ناگسستنی و به شدت به هم وابسته هستند. اگر نظام آموزشی نتواند تغییراتی در جامعه ایجاد کند، اساساً نمی‌تواند نظام کارایی باشد. امروزه با توجه به رشد و توسعه مداوم و دگرگونی‌های گسترده و نوآوری‌های جدید در حوزه‌های مختلف آموزشی نیاز به آموزش و فراگیری مهارت‌های ضروری امری مهم تلقی می‌شود (پیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۰). همچنین یکی از متداولترین انتظارات جامعه از نظام آموزشی تربیت شهروندانی فعال و کارآفرین در عرصه اقتصادی و اجتماعی است و بر همین اساس تربیت افراد کارآفرین در نظام آموزشی به ویژه در دوران تحصیل با ارایه برنامه درسی بسیار مهم است. چرا که قابلیت کارآفرینی نیروی انسانی جوامع به عنوان یکی از عوامل کلیدی پیشرفت اجتماعی مورد مطالعه جامعه‌شناسان و اقتصاددانان قرار گرفته است (علیزاده اقدام و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۵).

کارآفرینی، توانایی برهم زدن نظم حاکم بر محیط، اقتصاد و اجتماع بوده و نقش کارآفرین آموزش دیده، بیشتر از تأثیرپذیری، تأثیرگذاری آن‌هاست (هنونن و پوکجوکلی^۱، ۲۰۰۶؛ سولومون^۲، ۲۰۰۸). آموزش کارآفرینی بر اساس ماهیت و چشم‌انداز خاص، افرادی را پرورش می‌دهد تا فرصت‌های محیطی را در جهت خلق کسب و کار جدید شناسایی کرده و به کار گیرند (خنیفر، رسایی فرد و صفیان‌بلداچی، ۱۳۹۲). کارآفرینی شامل خلق و توزیع ارزش و منافع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه است و کارآفرینان را افرادی نوآور با فکری متمرکز و به دنبال کسب توفیق و مایل به استفاده از میان برها می‌دانند که کمتر مطابق کتاب کار می‌کنند و در نظام اقتصادی، شرکت‌های نوآور، سودآور و با رشدی سریع را ایجاد می‌نمایند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۷؛ علیزاده اقدام و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۷). کار آفرینی در آموزش و پرورش یک فعالیت نیست، بلکه یک رویکرد است. کارآفرینی مهمترین شایستگی در ساحت اقتصادی و حرفه است و هدف تربیت، ایجاد روحیه کارآفرینی است (صفایی، ۱۳۹۴). امروزه، کارآفرینان به طورخاص دارای نقشی مؤثرتر در فرایند توسعه

1. Heinonen & Poikkijoki
2. Solomon

اقتصادی هستند. تحقیقات نشان داده که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان در یک کشور همبستگی مثبت وجود دارد (وارث، ۱۳۷۸). پس از روشن شدن ضرورت توجه به کارآفرینی، آشنایی با مفهوم کارآفرینی و خصوصیات کارآفرین، پرورش روحیه کارآفرینی در افراد غیرکارآفرین از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. از این‌رو فعالیت‌های آموزشی برای تربیت کارآفرینان در دستور کار بسیاری از مراکز آموزش کارآفرینی قرار گرفته است، چرا که لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است (عزیزی، ۱۳۸۸). همچنین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله نیجریه محتوای برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی برای دانش‌آموزان بسیار اثربخش بوده است و نتایج تحقیقات کمی این کشور در چهار دانشگاه برتر کشور موید همین مساله بوده است (اولوکاندن^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۶۰).

در ارتباط با اهمیت کارآفرینی با نگاهی به وضع اشتغال جهان، واضح است که در دهه‌های گذشته، آمار بیکاری در سراسر جهان با افزایش، روبرو بوده است. به ویژه جوانان، با مشکل ورود به بازار کار مواجه شده‌اند. یکی از دلایل آن فقدان تجربه کاری این افراد و عدم آموزش آنان در دوران تحصیل بوده است. بر طبق نظر هوسین و همکاران آموزش نمی‌تواند مانع بیکاری افراد شود و بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قادر به یافتن شغل نیستند (مذبوحی، شرفی و مقدم، ۱۳۹۱: ۹۸). به منظور رفع این معضل، سیاستگذاران پیشنهاد کرده‌اند که افراد باید به خود اشتغالی بپردازند. لذا برخی از مدارس و دانشگاه‌ها به منظور رفع این معضل، شروع به ارائه دوره‌های آموزش کارآفرینی کردند (آدجی‌مولا و اولفان‌میلایو^۲، ۲۰۰۹: ۸۲). در ایران هم اوضاع بیکاری تحصیل‌کرده‌ها یکی از مسایل مهم کشور است و از این رو برنامه درسی آموزش عالی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌روست. از طرف دیگر، در سیستم‌های آموزشی که متعهد به بهبود بخشیدن مستمر فرایند آموزش هستند، ایجاد و توسعه یک طرح جامع برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی به منظور رفع این چالش‌ها امری الزامی است (آویژگان و همکاران، ۱۳۹۷: ۵). چرا که تجربه یادگیری کارآفرینی دانش‌آموزان در کلاس درس نیازمند ابزارهای آموزشی مبتنی بر فناوری است و همین‌طور تقویت تعامل و ارتباط بین آموزگاران و دانش‌آموزان باعث یادگیری کارآفرینی در مدارس از طریق تکنولوژی‌های آموزشی و ارتباطی

1. Olokundun
2. Adejimola & Olufunmilayo
۱۰۳

می‌شود (جیم وو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱) و آموزش کارآفرینی رویکردی از رشد همه جانبه کودکان در راستای گسترش توانمندی‌های آنان در قالب یک سبک زندگی کارآفرینانه است که به عنوان لازمه زندگی کنونی و بزرگسالی مورد نظر است (سبزه، ۱۳۹۷: ۵۷).

بر این اساس جک و اندرسون^۲ (۱۹۹۹) آموزش کارآفرینی را تلفیقی از علم (مهارت‌های کارکردی) و هنر (جنبه‌های خلاق کارآفرینی) به حساب می‌آورند (ادواردز و مویر^۳، ۲۰۰۵) و آموزش کارآفرینی به منزله ابزاری اساسی در توسعه اقتصادی می‌تواند ذهن مردم را بازتر و به گسترش دانش افراد پردازد (فایول^۴، ۲۰۰۷). آموزش کارآفرینی یک فرآیند یادگیری همیشگی است که از دبستان آغاز، و تا سطوح بالاتر، از جمله سطوح آموزشی بزرگسالان ادامه پیدا می‌کند (پرهیزگار، شهیدی و فتاح‌زاده، ۱۳۸۷). در واقع آموزش کارآفرینی فعالیتی است که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز جهت کارآفرینی استفاده می‌شود (گیزبرگ و های^۵، ۱۹۹۴؛ دهمرده‌قلعه‌نو؛ فطانت‌فردحقیقی و قرایی‌پور، ۱۳۹۴).

توجه صرف به کارآفرینی و کارآفرینان باعث کاهش بیکاری و افزایش خوداشتغالی نمی‌شود (حسینی‌خواه، ۱۳۸۷) و انقلاب کارآفرینی در سراسر جهان در حال رخ دادن است و این مسأله به طور غیرقابل انکاری بر تجارت جهانی و دنیای کسب و کار تاثیر گذاشته است (کوراتکو^۶، ۲۰۰۵). بر همین اساس حجم بالایی از تحصیل‌کرده‌های بیکار نمود بارزی از همین مسأله است و با قدری تامل و تعمق در این مسأله می‌توان دریافت که از یک طرف خروج بسیاری از جوانان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها به عنوان نیروی کار جدید و از طرف دیگر مقتضیات و نیازهای بازار کار عملاً سبب بروز عدم توازن بین بازار کار و نیروی انسانی تحصیل‌کرده شده است. به همین سبب آموزش کارآفرینی به شکل‌های مختلف و در سطوح تحصیلی گسترده‌ای افزایش یافته است. هرچند رویکردهای نظری متفاوتی در این زمینه وجود دارند، اما اتکا به آرای مدیران آموزشی، متخصصان و استاتید بومی حوزه برنامه درسی و

-
1. Jim Wu
 2. Jack & Anderson
 3. Edwards & Muir
 4. Gailly & Fayolle
 5. Ginsberg & Hay
 6. Kuratko

کارآفرینی می‌تواند برساخت‌های ذهنی آنها از برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس کشور بهتر کشف کند تا از این طریق بتوان بسیاری چالش‌های این عرصه را حل کرد. بر همین اساس ضرورت کشف الگوهای ذهنی مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی از شناخت روحیات کارآفرینی و آموزش آن بیش از پیش احساس شده و لازم است تا با انجام تحقیقات کیفی و اکتشافی در این زمینه به زوایای پنهان این ساختارهای ذهنی پی برد. در این راستا و در باب شناخت برساخت‌های ذهنی باید عنوان کرد که برساخت ذهنی از هر کنشگری به ساختارهای ذهنی او مربوط می‌شود و این مفهوم ریشه در برساخت‌گرایی اجتماعی^۱ یا ساخت‌گرایی اجتماعی دارد که یک نظریه جامعه‌شناختی در زمینه شناخت است که بر مبنای آن رشد انسان به صورت اجتماعی انجام می‌شود و دانش از طریق کنش متقابل با دیگران برساخته می‌شود (مک‌کینلی^۲، ۲۰۱۵: ۱۸۶). بنابراین در این پژوهش معانی ذهنی مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی از برنامه درسی آموزش کارآفرینی به عنوان واقعیتی اجتماعی در نظر گرفته شده است و در برساخت‌گرایی کوشش می‌شود تا محقق به این پرسش پاسخ دهد که چگونه معنای ذهنی مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی از برنامه درسی آموزش کارآفرینی به واقعیتی اجتماعی تبدیل می‌شوند و در قالب یک الگوی نظری نو و منحصر به فرد قابل ملاحظه است. برساخت‌گرایی و شناخت برساخت ذهنی به‌وسیله پیتز برگر و تامس لاکمن در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت ابداع شد. نظریه آن‌ها بر اساس تلفیقی از جامعه‌شناسی معرفت آلفرد شوتمس و مفهوم نهادهای دورکیم بنیاد شده و توضیح می‌دهد که برساخته اجتماعی چطور به مثابه واقعیت اجتماعی؛ یعنی به مثابه چیزی ثابت و تغییرناپذیر جلوه داده می‌شود (لاکمن و برگر، ۱۳۹۵: ۷۶). بنابراین الگوی آموزش کارآفرینی که در اذهان مشترک چندین مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی باید کشف و شناسایی شود، می‌تواند در حوزه نظام آموزشی بسیاری از مشکلات را حل و فصل نماید.

مطالعات متعددی در ارتباط با آموزش کارآفرینی در مدارس انجام شده است. برای مثال؛

1. Social Constructivism

2. Mckinley

نتایج مطالعه اولوکاندن^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) نشان داده که محتوای برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی برای دانش‌آموزان بسیار اثربخش بوده است و نتایج تحقیق کاسن و همکارانش^۲ (۲۰۱۵) نشان داد که غالباً محیط نامناسب آموزشی در برخی کشورها، به سادگی سبب از بین رفتن احتمال توسعه موفق کارآفرینان می‌شود. هانتز و همکارانش^۳ (۲۰۰۴) نشان دادند که آموزش رسمی به عنوان یک عامل حمایتی برای کارآفرینان در دستیابی به تجربیات و مهارت-های کارآفرینی عمل می‌کند. هنری و همکاران^۴ (۲۰۰۵) نیز به این نتیجه دست یافتند که برنامه‌ریزان، معلمان و مربیان حوزه کارآفرینی برای حصول اطمینان از اثربخش بودن فعالیت-هایشان باید ارزیابی دقیقی داشته باشند تا ببینند چقدر به اهداف خود در این زمینه دست یافتند. نک و گرین^۵ (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که یادگیری روش کارآفرینی، اغلب مهمتر از یادگیری مفهوم خاص بوده و معلمان نقش کلیدی در اجرای آموزش کارآفرینی دارند. پیتاوی^۶ و ادواردز (۲۰۱۲) آموزش کارآفرینی را تحت عنوان موردی گنجانده شدن در چیزی توصیف می‌کنند. انتقاداتی بر آموزش کارآفرینی وارد شده است برای مثال جونز و ایردال^۷ (۲۰۱۰) اذعان می‌کنند که اتخاذ یک روش برای آموزش کارآفرینی، مطابق با آرمان‌های آموزشی لیبرال بوده در حالی که آموزش و پرورش، ارزش‌های آزادی خواهانه خود را بر اساس مبانی و ارزش‌های نظری، استوار می‌سازد که مهم به نظر می‌رسد و آزادی‌گری با آزادی بیان و حق بیان در ارتباط است. به نظر رایبسون و همکاران^۸ (۱۹۹۱) برخی از موانع توسعه آموزش کارآفرینی شامل کمبود توسعه برنامه آموزش به صورت کیفی، کمبود پایگاه نظری برای ایجاد مدل‌های آموزنده است. مانع دیگر از نظر فایول (۲۰۱۳) این است که مربیان کارآفرینی نیاز به فهم نظریه‌ها و مفاهیم کلیدی درباره آموزش و کارآفرینی دارند. هدف اولیه از توسعه کارآفرینی، تربیت افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و متمایل به راه اندازی کسب و

1. Olokundun
2. Kassean, Hemant Et Al
3. Hunter Et Al
4. Henry Et Al
5. Neck And Greene
6. Pittaway
7. Jones And Iredale
8. Robinson Et Al

کارهای مستقل است (آلبرنوز^۱، ۲۰۰۸). سولمن و همکاران^۲ (۲۰۰۲) هدف اساسی از آموزش کارآفرینی، آموزش کسب و کار و نحوه ورود به کسب و کار عنوان می‌کنند. هیتی و آگورمن^۳ (۲۰۰۴) به آموزش کارآفرینی از سطح مدرسه ابتدایی تا آموزش بزرگسالان اشاره دارند. اهداف در برنامه‌های سطح پایین مدارس، مهارت‌های کسب و کار دانش‌آموزان را بهبود بخشیده و درک دنیای کار را با همکاری یکپارچه ارتباطات افزایش می‌دهد. فاجز و همکاران^۴ (۲۰۰۸) اظهار می‌کنند در بین دانش‌آموزان، هدف اول، بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان از خوداشتغالی، تحت عنوان گزینه شغلی، معنی خواهد شد. هدف دوم، آماده کردن دانش‌آموزان با مخاطبین اولیه و دانش برای تجارت است و سومین هدف، پرورش دادن دیدگاه‌ها و کیفیت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان است. همچنین یافته‌های تحقیق پاول و کورت^۵ (۲۰۱۲) نشان دادند که مربیان کارآفرینی، تجربیات کاربردی بیشتری، نسبت به سابقه تحصیلات ابتدایی دارند. طبق مطالعات دراکوپوئولو و داد و هینس^۶ (۲۰۱۲) نگرش‌های متفاوتی نسبت به کارآفرینی در مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته وجود دارد. در حالی که در مناطق توسعه یافته ارتباط مثبت با فعالیت‌های کارآفرینانه در کل دیده می‌شود. گیب^۷ (۲۰۱۱) دریافت که معلمان بسیاری بخاطر مفهوم سرمایه‌داری و تجارب، مجبور به تدریس دروسی شدند که متأثر از کارآفرینی است. نک و گرین (۲۰۱۱) نتیجه گرفتند که شیوه‌های کارآفرینی امروزی بر پایه دانش گذشته استوار است. آن‌ها به وجود این تناقض پی برده‌اند که آموزش باید درباره ایجاد فرصت‌های جدید و اجرای آن در محیط‌های نامعلوم و ناشناخته صورت بگیرد. سیکولا-لینو و همکاران^۸ (۲۰۱۰) گزارش دادند که معلمان اقرار کردند، زمانی که شیوه کارآفرینی در کلاس را تدریس می‌کنند، در واقع، در حال اشتراک تجربیات کارآفرینی خودشان هستند و این به‌ویژه در زمان ارائه حقایق مربوط به کارآفرینی، ظاهر می‌گردد. واسالویبا^۹ (۲۰۱۰) در پژوهشی به

-
1. Albornoz
 2. Solomon Et Al
 3. Hytti & O`Gorman
 4. Fuchs Et Al
 5. Powell & Kurt
 6. Drakopoulou Dodd & Hynes
 7. Gibb
 8. Seikkula-Leino
 9. Mwsalviba
- ۱۰۷



این نتیجه دست یافت که هنوز هم بین معلمان و دیگر افرادی که خواستار آموزش و پیشرفت کارآفرینی در جامعه هستند، اتفاق نظر وجود ندارد. بیردیتل^۱ (۲۰۰۸) نتیجه گرفت که به طور خاص، تحقیقاتی درباره ارزیابی آموزش کارآفرینی در سطوح پایین مدرسه انجام نشده است. در داخل کشور هم یافته‌های پژوهش اجاقی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که از میان مهارت‌های مربوط به تدریس واحد کارآفرینی، به ترتیب اولویت، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی، ویژگی‌های فردی و مهارت‌های ارتباطی اساتید و مدرسان کارآفرینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یافته‌های پژوهش روشن و همکاران (۱۳۹۴) حاکی از آن است که بین آموزش کارآفرینانه، ضرورت آموزش کارآفرینانه، محتوای آموزش کارآفرینانه، محیط آموزش کارآفرینانه، شیوه‌های آموزش کارآفرینانه با روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق خنیفر و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که آموزش کارآفرینی تاکنون بر مبنای دو رویکرد رفتارگرا (آموزش تئوریک) و ساخت‌گرا (آموزش تئوریک و تجربی) بوده است. یافته‌های پژوهش یوسفی و یوسفی (۱۳۹۰) بیانگر آن است که آموزش و پرورش ایران زیاد به موضوعات خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی نپرداخته است.

در بحث ادبیات مفهومی پژوهش باید به مفاهیم کلیدی پژوهش اشاره داشت. آموزش کارآفرینی یک فرآیند یادگیری همیشگی است که از دبستان آغاز و تا سطوح بالاتر، از جمله سطوح آموزش بزرگسالان ادامه پیدا می‌کند. مدرسان با استفاده از چارچوب استانداردهای ملی آموزش کارآفرینی و "شاخص‌های عملکرد" می‌توانند اهداف مناسبی را برای خود تعیین کرده و فعالیت‌های آموزشی و روش‌های ارزیابی مطابق با آن را برای مخاطبان طراحی نمایند. دانش‌آموزان نیز با استفاده از این چارچوب، در فعالیت‌های آموزشی چالش برانگیزتری شرکت خواهند کرد و بدین ترتیب به تجربیاتی دست خواهند یافت که بینش آنان را در کشف و ایجاد فرصت‌های کارآفرینی تقویت کرده، و آنان را قادر می‌سازد کسب و کار مستقل خود را با موفقیت راه اندازی و مدیریت کنند و از این فرصت‌ها به نحو احسن بهره بگیرند (پرهیزگار و همکاران، ۱۳۸۷). طبق نظر فایول و جیلی (۲۰۰۸) هیچ مشارکتی در مورد ماهیت کارآفرینی

1. Birdthistle

و چگونگی آموزش آن وجود ندارد (فایول و جیلی، ۲۰۰۸: ۱۸۴). بنابراین نبود رویکردهای آموزشی یکپارچه در این حوزه به چشم می‌خورد. در مقابل، طبق نظر بلانکر^۱ (۲۰۱۱)، از مباحث قابل بحث در ادبیات آموزش کارآفرینی، ماهیت آن و چگونگی آموزش است. از نظر وی پرسش‌های اساسی در آموزش کارآفرینی، چگونگی مواجهه با مسائل اجتماعی و چگونگی تفکر کارآفرینانه است. بر همین اساس پاول و کرت^۲ (۲۰۱۲) اعتقاد دارند که اگرچه کارآفرینی با عنوان حوزه مستقل، رفته‌رفته تکامل پیدا می‌کند، ولی آموزش کارآفرینی هنوز نواقصی دارد که در حال رفع شدن هستند. بنابراین منطق ضعیفی در تدریس کارآفرینی به این عنوان که کارآفرینی ویژگی ذاتی است وجود دارد. آن‌ها هم چنین مطالعاتی را انجام دادند که نمایانگر روش‌هایی برای ترغیب کارآفرینی از طریق آموزش بوده است (چنگ و همکاران، ۲۰۰۹: ۵۵۷). بنابراین لازم الگوهای برای آموزش در مناطق مختلف تدوین شود تا به وسیله این الگوهای اکتشافی و با پشتوانه الگوهای نظری موجود بتوان تبیین درستی از آموزش کارآفرینی در مدارس و نظام آموزشی ارائه داد. بنابراین هدف و سوالی که در این پژوهش دنبال می‌شود و شاکله اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد بر این اساس است که: الگوی مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی مرتبط با برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس چگونه است؟ و مؤلفه‌های الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس کدامند؟

روش تحقیق

از آنجایی که این پژوهش با هدف اکتشاف و تدوین یک الگوی بومی انجام شده روش کیفی با استراتژی گراندد تئوری برای انجام آن مناسب به نظر می‌رسد و قصد محقق می‌تواند کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق باشد. دلیل انتخاب گراندد تئوری به خاطر استخراج رویکرد نظری جدید در این زمینه است، هرچند در ارتباط با برنامه درسی مبتنی بر آموزش کارآفرینی در مدارس نظریات متعددی وجود دارد، اما اتکا به یک نظریه غیر بومی نمی‌تواند در جامعه ایران کاربرد چندانی داشته باشد. به همین خاطر اتکا به یک رویکرد بومی،

1. Blenker Et Al

2. Powell, Walter W And Kurt Sandholtz

ضمن متفاوت بودن این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده، می‌تواند منجر به تدوین الگویی شود که بر خاسته از نظرات مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی است. بنابراین این نظریه بهتر و بیشتر می‌تواند به حل مسایل مدیریتی نظام آموزشی کمک کند و گراند تئوری بهترین رویکرد پژوهشی برای ارایه الگوی بومی است. جامعه آماری برای انجام مصاحبه جهت مفهوم سازی، مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی هستند و نمونه آماری ۳۰ نفر از مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی بودند که به روش هدفمند انتخاب شدند و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق از نوع مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است. محقق در ابتدا نسبت به استخراج و توصیف مبانی فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی برنامه درسی مبتنی بر آموزش کارآفرینی در دوره اول متوسطه اقدام نموده سپس از طریق انجام مصاحبه با مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی، مفاهیم و سازه‌های آموزش کارآفرینی استخراج، طبقه‌بندی و کدگذاری کرده است. داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری و مبتنی بر طرح نظام‌مند^۱ نظریه داده بنیاد استراس و کوربین، مورد تحلیل قرار گرفت. پژوهشگر هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل داده‌ها را نیز شروع می‌کند، در واقع این فرآیندی «رفت و برگشتی»^۲ است؛ رفتن به میدان برای گردآوری اطلاعات، بازگشتن به دفتر کار پژوهشگر برای تحلیل داده‌ها، مراجعه مجدد به میدان برای گردآوری اطلاعات بیشتر، بازگشت به دفتر کار پژوهشگر و به همین ترتیب کار دنبال شده است. محورهای کلیدی در این استراتژی، کدها^۳، مفاهیم^۴ و مقوله‌ها^۵، اعم از فرعی و اصلی هستند که توالی شکل‌گیری آن‌ها در شکل زیر ارائه شده است.



نمودار ۱- مسیر تکامل تئوری در استراتژی مفهوم سازی تئوری داده بنیاد

1. The Systematic Design
2. Zigzag
3. Codes
4. Concepts
5. Categories

در روش داده بنیاد، اعتبارسنجی^۱، بخشی فعال از فرآیند پژوهش است؛ برای مثال، در خلال روال مقایسه مستمر^۲ در کدگذاری باز، پژوهشگر، بین داده‌ها و اطلاعات و مقوله‌های در حال ظهور، کثرت ایجاد می‌کند. مقایسه مستمر اشاره دارد به این که پژوهشگر وقایع، رویدادها، و فعالیت‌ها را شناسایی کرده و مستمراً آنها را با یک طبقه نوظهور مقایسه می‌کند. بدین ترتیب آن طبقه را شکل داده و اشباع کند (کرسول، ۱۳۹۴: ۲۹۰). به عبارت دیگر، فرآیند کسب اطلاعات از گردآوری داده‌ها و مقایسه آن‌ها با طبقات در حال شکل‌گیری، روش مقایسه مستمر گویند و همین فرآیند امتحان کردن داده‌ها در برابر مقوله‌ها، در مرحله کدگذاری محوری روی می‌دهد. پژوهشگر پرسش‌هایی مطرح می‌کند که مقوله‌ها را ربط می‌دهد و سپس به بین داده‌ها برگشته و به دنبال مدرک، پیشامد و وقایع می‌گردد. در تحقیق حاضر نیز، برای اعتبارسنجی یافته‌ها در مرحله کدگذاری باز به شیوه مقایسه‌ای مستمر به تطابق همگونی میان اطلاعات و مقوله‌های به دست آمده پرداخته شد و در مرحله کدگذاری محوری بازبینی داده‌ها نسبت به مقوله‌ها انجام پذیرفت. جهت اطمینان از روایی پژوهش اقدامات ذیل انجام شد:

۱- تطبیق توسط اعضا^۳: پژوهشگر از دیدگاه مشارکت‌کنندگان برای برقرار ساختن اطمینان‌پذیری یافته‌ها و تفاسیر استفاده می‌کند (کرسول، ۱۳۹۴: ۲۵۵). در این تحقیق، سه نفر از مشارکت‌کنندگان، گزارش نهایی مرحله نخست فرآیند تحلیل مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کردند و پیشنهادهای آنها در پارادایم کدگذاری اعمال گردید.

۲- بررسی همکار^۴: نوعی کنترل بیرونی بر فرآیند پژوهش است. کرسول (۱۳۹۴) این نقش را همانند نقش «منتقد مدافع»^۵ می‌داند؛ فردی که با پژوهشگر صادق است، سؤال‌های چالش‌برانگیزی در مورد روش‌ها، معانی و تفاسیر می‌پرسد. سه نفر از اساتید دانشگاهی، نیز پارادایم کدگذاری را بررسی نمودند و نظرات ایشان نیز در تدوین مدل مورد استفاده قرار گرفت.

-
1. Validation
 2. Constant Comparative Method
 3. Member Checking
 4. Peer Debriefing
 5. Devils Advocate

ملاحظات اخلاقی در اجرای پژوهش نیز مد نظر قرار گرفت که در واقع، نشان‌دهنده میزان و چگونگی احترام پژوهشگر به مشارکت کنندگان است. در همین خصوص، در انتهای مصاحبه، نامه‌های با امضای پژوهشگر مبنی بر تعهد اخلاقی در نگهداری مفاد مصاحبه و مشخصات مشارکت‌کنندگان و انتشار نکردن آن به آنها ارایه شده است.

یافته‌های پژوهش

الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در مدارس

در این پژوهش برای طراحی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه از روش کیفی داده بنیاد بهره گرفته شد و بر این اساس، توجه و پیروی از عناصر برنامه درسی در تدوین الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی، هدایتگر آن است که الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان، می‌تواند شامل عناصر یا ترکیبی از آنها باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در این گام، بر مبنای روش کدگذاری نظری انجام شد و این همان فرایند اصلی است که طی آن، نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. مراحل کدگذاری مورد استفاده در این تحقیق شامل سه مرحله کدگذاری باز (کدگذاری محوری)؛ کدگذاری انتخابی و کدگذاری گزینشی بوده است.

کد گذاری باز

در مرحله کد گذاری باز^۱ بخشی از تحلیل که مشخصاً به نام‌گذاری و دسته‌بندی پدیده، از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود، مفاهیم طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار، مقوله-پردازی گفته می‌شود. در این گام، کدهایی که اشتراک مفهومی داشتند در ذیل یک مقوله جای گرفتند و بدین ترتیب مقولات متعددی شکل گرفتند. بر اساس مفاهیمی که در این گام حاصل گردید، مقوله‌های اولیه شکل گرفتند. نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب شده از اسناد به درون مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی است که در این سوالات، مشابه هستند. بنابراین کدگذاری باز و مقوله‌پردازی داده‌ها، در جهت شناسایی معیارها و زیرمعیارهای تبیین

الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه انجام گرفت. در این بخش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته در زمینه پژوهش، که شامل ۸۲ مفهوم است، در زیر ارائه می‌شوند:

جدول ۱. کدگذاری اولیه

کد	مفاهیم استخراج شده
۱.	رسالت آماده نمودن انسان برای تسلط بر مهارت‌های حرفه‌ای و بهره‌برداری از آن
۲.	ویژگی تغییرپذیری و ضرورت تربیت انسان
۳.	حاکم شدن دیدگاه‌های فعال بودن فراگیر در فرایند یاددهی- یادگیری
۴.	توجه آموزش و پرورش به تفکر خلاق و تفکر انتقادی
۵.	توجه به یادگیری مادام‌العمر و پرورش آگاهی آموزش و مسایل مبتلا به، جامعه و توانمند کردن
۶.	احترام قائل بودن به ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف
۷.	ضرورت ارتباط مداوم آموزش و پرورش با دنیای اقتصاد
۸.	توجه آموزش و پرورش به سواد و مهارت‌های حرفه‌ای
۹.	ارتباط آموزش و پرورش با دنیای کار
۱۰.	ضرورت توجه به تربیت شهروند جهانی در عین احترام به تنوع فرهنگی
۱۱.	توجه به یادگیری مبتنی بر موقعیت
۱۲.	رسالت ایجاد و پشتیبانی از مهارت‌های تفکر سطح بالا
۱۳.	ضرورت افزایش مسئولیت‌پذیری فراگیران در فرایند یادگیری
۱۴.	بهره‌گیری از روش‌های متنوع در ارائه محتوا
۱۵.	ارائه آموزش‌های مهارت محور
۱۶.	ارتباط خروجی‌های یادگیری با مهارت‌های مورد نیاز اشتغال
۱۷.	تولید محتوای درسی در راستای کسب صلاحیت لازم در حرفه
۱۸.	توسعه برنامه‌های درسی برای بخش‌ها و حرفه‌های اولویت‌دار
۱۹.	مطابقت محتوای برنامه درسی با استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای
۲۰.	رعایت انتخاب محتوای برنامه درسی با ساختار دانش کارآفرینی



کد	مفاهیم استخراج شده
۲۱.	تعیین استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای
۲۲.	سنجش عملکرد و یا ارزشیابی یادگیری مستقل هر یک از پودمان‌ها بر اساس معیارهای محیط واقعی
۲۳.	تأکید بر کار عملی در وضعیت‌های کاری واقع‌گرایانه
۲۴.	توسعه مهارت‌های محوری، آموزش ضمن کار و آموزش برای توسعه خوداشتغالی و فعالیتهای اقتصادی کوچک
۲۵.	تولید محتوای الکترونیکی به روز بودن برنامه درسی فنی و حرفه‌ای
۲۶.	مطابقت برنامه درسی جهت رفع مشکلات آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای
۲۷.	آگاهی دانش‌آموزان و مربیان با تحولات نظام فنی و حرفه‌ای
۲۸.	موفقیت برنامه درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش‌آموزان در زمینه حفظ محیط زیست
۲۹.	تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار
۳۰.	حمایت‌های قانونی دولت از دارندگان مدرک فنی و حرفه‌ای
۳۱.	انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی فنی و حرفه‌ای
۳۲.	مشارکت فعال دانش‌آموزان در برنامه درسی فنی و حرفه‌ای
۳۳.	آمادگی دانش‌آموزان جهت یادگیری و تحصیل علوم کارآفرینی
۳۴.	هوشمندسازی کلاس‌های درس
۳۵.	استفاده مربیان از کامپیوتر و فن‌آوری‌های نوین در امر یاددهی
۳۶.	استفاده از فناوری اطلاعات در دوره‌ها و همایش‌های حوزه کارآفرینی
۳۷.	تناسب دوره‌های کارآفرینی دانش‌آموزان با نظریات جدید تعلیم و تربیت کارآفرینانه
۳۸.	تناسب مدت زمان فعالیت‌های میدانی دانش‌آموزان در دوره‌های کارآفرینی
۳۹.	تأثیر رفت و آمد بین آموزشگاه و بازارکار طی دوره‌های کارآفرینی
۴۰.	ارتقاء توان علمی مربیان با آموزش‌های مستمر و حین خدمت در حوزه برنامه درسی کارآفرینی
۴۱.	ایجاد فرصت‌های علمی و پژوهشی لازم در حوزه کارآفرینی برای مربیان از سوی مدیران

کد	مفاهیم استخراج شده
۴۲.	ایجاد فرصت تصمیم‌سازی برای دانش‌آموزان و مربیان
۴۳.	ایجاد تحرک در مربیان جهت مشارکت در تولید برنامه درسی کارآفرینی
۴۴.	توجه مربیان به بافت و مسائل محلی در برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی
۴۵.	میزان رصد تحولات علمی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توسط مربیان
۴۶.	ساز و کار صحیح و عادلانه در ارزشیابی مستمر برنامه درسی کارآفرینی مانند کار عملی
۴۷.	میزان مشارکت در شیوه‌های ارزشیابی الکترونیکی آموخته‌ها
۴۸.	تأکید بر سنجش مهارت‌های تفکر و دانش کاربردی دانش‌آموزان
۴۹.	ارتباط و انعطاف محتوای برنامه درسی کارآفرینی با علایق دانش‌آموزان
۵۰.	رضایت دانش‌آموزان از محتوای برنامه درسی کارآفرینی
۵۱.	تأکید بر پژوهش و کاوشگری در محتوای برنامه درسی کارآفرینی
۵۲.	میزان توجه به تخصصی بودن محتوای برنامه درسی کارآفرینی
۵۳.	میزان رعایت نیازهای جامعه در انتخاب محتوای برنامه درسی کارآفرینی
۵۴.	مطابقت برنامه درسی با هدف ارتقاء حس راهبری دانش‌آموزان در حوزه کارآفرینی
۵۵.	توجه به علایق دانش‌آموزان بر انتخاب اهداف برنامه درسی کارآفرینی
۵۶.	سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه برنامه درسی کارآفرینی
۵۷.	پذیرش علوم کارآفرینی در محیط اجتماعی
۵۸.	اختصاص بودجه به فعالیت‌های علمی کارآفرینی (محیط اقتصادی)
۵۹.	تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم و تربیت کارآفرینی
۶۰.	کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش‌آموزان
۶۱.	دادن فرصت مناسب به دانش‌آموزان جهت اندیشیدن به مسائل کارآفرینی
۶۲.	انگیزش پذیرندگان به یادگیری دروس کارآفرینی
۶۳.	توسعه مهارت‌های تخصصی دانش‌آموزان در حوزه کارآفرینی
۶۴.	تلاش در جهت پرورش ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان

کد	مفاهیم استخراج شده
۶۵	استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر دانش (بحث و گفتگو، بازدید و گردش علمی، قصه‌گویی و ...)
۶۶	اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل کارآفرینی توسط دانش‌آموزان
۶۷	توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری
۶۸	نیاز سنجی از بازار کار
۶۹	میزان دستیابی مربیان و دانش‌آموزان به اینترنت جهت آموزش
۷۰	میزان بازنگری در سرفصل دروس براساس فن‌آوری‌های جدید
۷۱	برپایی کارگاه‌های پیاپی جهت رفع اشکال، طی دوره کارآفرینی
۷۲	دوره‌های بازآموزی مجازی برای فارغ‌التحصیلان سابق
۷۳	صلاحیت‌های تخصصی و عمومی مربیان دروس کارآفرینی
۷۴	استفاده از پوشه کار و چک لیست برای ارزشیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزه کارآفرینی
۷۵	مشاهده مستقیم رفتار دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف جهت ارزشیابی آنان
۷۶	تعامل مدارس با نهادهای محلی و صاحب‌نظران حوزه کارآفرینی
۷۷	تخصیص اعتبارات پژوهشی و شرکت در همایش‌های کارآفرینی به مربیان
۷۸	برگزاری سمینارهای علمی و تبادل اطلاعات با سایر مراکز علمی
۷۹	همکاری دانش‌آموزان و مربیان جهت انتخاب برنامه درسی
۸۰	تأثیر برنامه درسی مربیان بر دانش، پژوهندگی و بینش دانش‌آموزان
۸۱	مشارکت مربیان و کارشناسان در تولید محتوای دروس کارآفرینی
۸۲	بهبود مستمر فرآیندهای آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار

در گام بعدی تلاش شد مقوله‌های مشابه و مقارن که در جدول‌های شماره (۱) و (۲) ارائه شده است، در تم‌های اصلی جای گیرند. بر اساس اشتراک مفهومی که مقولات با یکدیگر

داشتند، تم‌ها، به شکل مفاهیم انتزاعی‌تری استخراج شدند. پس از تهیه و تنظیم جدول مفاهیم و مقولات اولیه، به عنوان گام نخست تحلیل کیفی اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، برای تکمیل این فرآیند، مفاهیم حاصله، در سطح بالاتر و تجریدی‌تر جهت دست-یابی به تم‌های اصلی، گروه‌بندی شدند. پس از مقایسه مقولات گروه‌بندی شده، مقولات مرتبط با یکدیگر در یک مضمون کلی دسته‌بندی شدند و بر اساس عناوین موجود در مصاحبه‌ها، عناوین کلی برای این مضمون‌ها در نظر گرفته شد.

با توجه به هدف کلی پژوهش در راستای تدوین الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان و با توجه به اشتراکات مفهومی، هر کدام از این مفاهیم در مقولات جای گرفتند و در تحلیل نهایی مفاهیم اولیه، با کسب آگاهی کافی از این که تم‌های مختلف کدام‌ها هستند، چگونگی تناسب آن‌ها با یکدیگر و کل داستانی که آنها در باره داده‌ها می‌گویند، تلاش شد یک نقشه رضایت‌بخش از تم‌ها ترسیم گردد؛ در این مرحله، تم‌هایی را که برای تحلیل ارائه گردیده، تعریف شدند و مورد بازبینی مجدد قرار گرفتند؛ سپس داده‌های داخل آنها تحلیل شدند. به‌وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند مشخص و تعیین شد که هر تم کدام جنبه از اطلاعات را در خود جای داده است. در ذیل، تم‌ها به طور مختصر و جامع ارائه می‌شوند:

جدول ۲. تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها

تم ۱، مبانی فلسفی	
۳ ۴	رسالت آماده نمودن انسان برای تسلط بر مهارت‌های حرفه‌ای و بهره‌برداری از آن
	ویژگی تغییرپذیری و ضرورت تربیت انسان
	حاکم شدن دیدگاه‌های فعال بودن فراگیر در فرایند یاددهی-یادگیری
	توجه آموزش و پرورش به تفکر خلاق و تفکر انتقادی
	توجه به یادگیری مادام‌العمر، پرورش آگاهی آموزش و مسایل مبتلا به جامعه و توانمند کردن دانش‌آموزان به تفکر حل مساله
	احترام به ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف و تلاش در جهت حفظ و ارتقا آنها



تم ۲، مبانی جامعه‌شناختی	
موضوعات	ضرورت ارتباط مداوم آموزش و پرورش با دنیای اقتصاد
	توجه آموزش و پرورش به سواد و مهارت‌های حرفه‌ای
	ارتباط آموزش و پرورش با دنیای کار
	ضرورت توجه به تربیت شهروند جهانی در عین احترام به تنوع فرهنگی
تم ۳، مبانی روانشناختی	
موضوعات	توجه به یادگیری مبتنی بر موقعیت
	رسالت ایجاد و پشتیبانی از مهارت‌های تفکر سطح بالا (کاربردی)
	ضرورت افزایش مسئولیت‌پذیری فراگیران در فرایند یادگیری
	بهره‌گیری از روش‌های متنوع در ارائه محتوا
تم ۴، ویژگی‌های محیطی	
موضوعات	سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه برنامه درسی کارآفرینی
	پذیرش علوم کارآفرینی در محیط اجتماعی
	اختصاص بودجه به فعالیت‌های علمی کارآفرینی (محیط اقتصادی)
	تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار
	حمایت‌های قانونی دولت از دارندگان مدرک کارآفرینی
تم ۵، محتوای برنامه درسی آموزش کارآفرینی	
موضوعات	مطابقت محتوای برنامه درسی با استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای
	رعایت انتخاب محتوای برنامه درسی با ساختار دانش کارآفرینی
	تولید محتوای الکترونیکی به روز بودن در برنامه درسی کارآفرینی
	ارتباط و انعطاف محتوای برنامه درسی کارآفرینی با علایق دانش‌آموزان
	رضایت دانش‌آموزان از محتوای برنامه درسی کارآفرینی
	تأکید بر پژوهش و کاوشگری در محتوای برنامه درسی کارآفرینی
	میزان توجه به تخصصی بودن محتوای برنامه درسی کارآفرینی

	میزان رعایت نیازهای جامعه در انتخاب محتوای برنامه درسی کارآفرینی
	تم ۶، ارتباط با بازار کار از طریق اصول پودمانی
تعلیمی	تعیین استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای
	نیازسنجی از بازار کار
	سنجش عملکرد و یا ارزشیابی یادگیری مستقل هر یک از پودمان‌ها بر اساس معیارهای محیط واقعی کار
	تأکید بر کار عملی در وضعیتهای کاری واقعگرایانه
	توسعه مهارت‌های محوری، آموزش ضمن کار و آموزش برای توسعه خوداشتغالی و فعالیت‌های اقتصادی کوچک
	تم ۷، اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی
تعلیمی	آگاهی دانش آموزان و مربیان با تحولات نظام کارآفرینی
	موفقیت برنامه درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش آموزان
	مطابقت برنامه درسی با هدف ارتقاء حس راهبری دانش آموزان در حوزه کارآفرینی
	توجه به علایق دانش آموزان بر انتخاب اهداف برنامه درسی کارآفرینی
	تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم و تربیت کارآفرینی
	تم ۸، فرایندهای یاددهی و یادگیری آموزش کارآفرینی
تعلیمی	انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی
	مشارکت فعال دانش آموزان در برنامه درسی آموزش کارآفرینی
	آمادگی دانش آموزان جهت یادگیری و تحصیل علوم کارآفرینی
	کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش آموزان
	فرصت مناسب به دانش آموزان جهت اندیشیدن به مسائل آموزش کارآفرینی
	تلاش جهت پروراندن ابعاد عاطفی و شناختی دانش آموزان
	اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل کارآفرینی توسط دانش آموزان
	توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری
	بهبود مستمر فرایندهای آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار
	تم ۹، صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز اشتغال



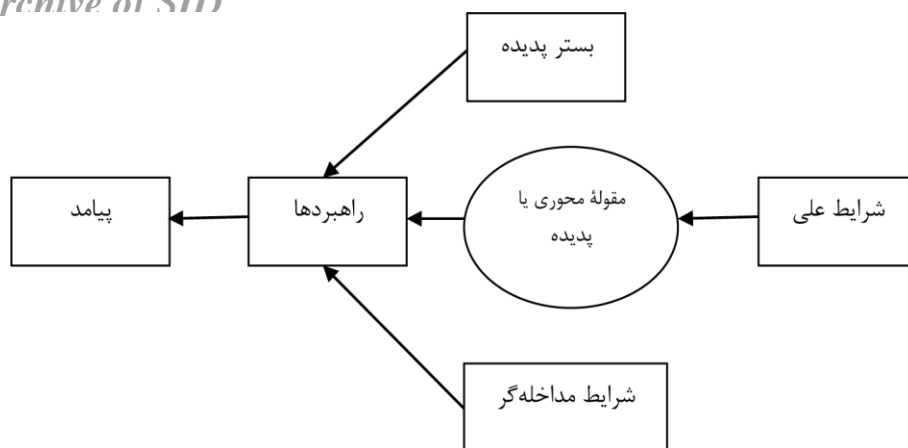
منابع	ارائه آموزش‌های مهارت‌محور
	ارتباط خروجی‌های یادگیری با مهارت‌های مورد نیاز اشتغال
	تولید محتوای درسی در راستای کسب صلاحیت لازم در حرفه
	توسعه برنامه‌های درسی برای بخش‌ها و حرفه‌های اولویت‌دار
تم ۱۰، استفاده از فناوری اطلاعات	
منابع	هوشمندسازی کلاس‌های درس آموزش کارآفرینی
	استفاده مربیان از کامپیوتر و فن‌آوری‌های نوین در امر یاددهی
	استفاده از فناوری اطلاعات در دوره‌ها و همایش‌های حوزه آموزش کارآفرینی
	میزان دستیابی مربیان و دانش‌آموزان به اینترنت جهت آموزش کارآفرینی
	میزان بازنگری در سرفصل دروس براساس فن‌آوری‌های جدید
تم ۱۱، استانداردهای دوره‌های آموزش کارآفرینی	
منابع	تناسب دوره‌های کارآفرینی دانش‌آموزان با نظریات جدید تعلیم و تربیت کارآفرینی
	تناسب مدت زمان فعالیت‌های میدانی دانش‌آموزان در دوره‌های کارآفرینی
	تأثیر رفت و آمد بین آموزشگاه و بازارکار طی دوره‌های کارآفرینی
	برپایی کارگاه‌های پیاپی رفع اشکال طی دوره آموزش کارآفرینی
	دوره‌های بازآموزی مجازی برای فارغ‌التحصیل سابق
	صلاحیت تخصصی و عمومی مربیان دروس آموزش کارآفرینی
تم ۱۲، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی	
منابع	ارتقاء توان علمی مربیان با آموزش‌های مستمر و حین خدمت در حوزه برنامه درسی آموزش کارآفرینی
	ایجاد فرصت‌های علمی و پژوهشی لازم در حوزه آموزش کارآفرینی برای مربیان از سوی مدیران
	ایجاد فرصت تصمیم‌سازی برای دانش‌آموزان و مربیان
	تعامل مدارس با نهادهای محلی و صاحب‌نظران حوزه آموزش کارآفرینی
	تخصیص اعتبارات پژوهشی و شرکت در همایش‌های آموزش کارآفرینی به مربیان
	برگزاری سمینارهای علمی و تبادل اطلاعات با سایر مراکز علمی

تم ۱۳، مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی آموزش کارآفرینی	
مفاهیم	ایجاد تحرک در مربیان جهت مشارکت در تولید برنامه درسی آموزش کارآفرینی
	توجه مربیان به بافت و مسائل محلی در برنامه‌ریزی درسی آموزش کارآفرینی
	میزان رصد تحولات علمی آموزش کارآفرینی توسط مربیان
	همکاری دانش آموزان و مربیان جهت انتخاب برنامه درسی آموزش کارآفرینی
	تأثیر برنامه درسی مربیان بر دانش، پژوهندگی و بینش دانش‌آموزان
	مشارکت مربیان و کارشناسان در تولید محتوای آموزش کارآفرینی
تم ۱۴، روش‌های ارزشیابی	
مفاهیم	استفاده از پوشه کار و چک لیست برای ارزشیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزه آموزش کارآفرینی
	مشاهده مستقیم رفتار دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف جهت ارزشیابی آنان
	سنجش مهارت‌های دانش‌آموزان بر اساس روش‌های خودسنجی و انجام پروژه‌های فردی و گروهی
تم ۱۵، ویژگی پذیرندگان	
مفاهیم	انگیزش پذیرندگان به یادگیری دروس آموزش کارآفرینی
	توسعه تخصصی دانش‌آموزان در حوزه آموزش کارآفرینی
تم ۱۶، عوامل تسهیل‌کننده	
مفاهیم	حمایت مدیران ارشد
	ساختار مراکز آموزش کارآفرینی
	مربیان آموزش دیده
تم ۱۷، موانع پیش‌روی	
مفاهیم	موانع مدیریتی
	موانع ارزشی
	موانع قانونی
تم ۱۸، پیامدهای آموزشی	
مفاهیم	تولید محتوای کارآمد در زمینه آموزش کارآفرینی

ارتقای روش‌های تدریس در آموزش کارآفرینی	
ارتقای سطح اطلاعات معلمان در زمینه آموزش کارآفرینی	
تم ۱۹، پیامدهای پرورشی	
افزایش سطح دانش دانش‌آموزان در زمینه آموزش کارآفرینی	توسعه
ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای دانش‌آموزان در آموزش کارآفرینی	
ترویج کارآفرینی	
تم ۲۰، پیامدهای اقتصادی	
ورود به بازار کار و اشتغال مهارت‌آموختگان	توسعه
پرورش نیروی کار ماهر در زمینه آموزش کارآفرینی	
افزایش بهره‌وری	

کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری هدف از کدگذاری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده است. این عمل معمولاً بر اساس الگوی پارادایم انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری، بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد. تمرکز این مرحله، بیشتر بر کدها و مفاهیم، و نه داده‌ها است. البته ممکن است که کدها یا مفاهیم جدیدی نیز در این مرحله ظهور یابند، ولی وظیفه اصلی، مرور و بررسی کدهای اولیه است. همچنین کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایمی صورت گرفته است، بنابراین دسته‌بندی‌های فرعی، با دسته‌بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط می‌شوند و هدف اصلی این است که محقق را قادر سازد تا به صورت نظام‌مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آن‌ها تفکر کند.



شکل ۲. الگوی پارادایمی پژوهش

دسته‌بندی اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) به عنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر دسته‌بندی‌ها، با این دسته‌بندی اصلی مرتبط می‌شوند. شرایط علی، موارد و رویدادهایی هستند که منجر به ایجاد و توسعه پدیده می‌گردند. بستر یا زمینه به مجموعه‌ای ویژه از شرایط، و شرایط مداخله‌گر به مجموعه گسترده‌تری از شرایط اشاره دارند که پدیده در آن قرار دارد. راهبردهای کنش یا تقابل، به اقدامات و پاسخ‌هایی اشاره می‌کنند که به‌عنوان نتیجه پدیده، رخ می‌دهند و در نهایت ستاده‌های خواسته یا ناخواسته این اقدامات و پاسخ‌ها، به پیامدها اشاره دارند.

۱- مقوله محوری: طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی

با توجه به اینکه بر اساس الگوی طراحی شده، «طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان قلمداد شده، پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز، و بررسی ویژگی‌های ارائه شده، مقوله «طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقوله محوری انتخاب شد. طراحی برنامه درسی شامل مبانی روانشناختی، جامعه‌شناختی و فلسفی، هدف، محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی در حوزه کارآفرینی است.

۲- شرایط علمی: سیاست‌ها و اهداف محیطی و ارتباط با بازار کار

شرایط علمی، باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» به عنوان عللی تلقی می‌شوند که نقشی فعال در الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی داشته‌اند و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه درسی آموزش کارآفرینی محقق نمی‌شوند.

۳- کنش‌ها و تعاملات: مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی و تعامل مستمر با مراکز علمی

کنش‌ها و تعاملات، بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله‌گر، اتخاذ می‌شوند. به این مقوله‌ها راهبرد نیز گفته می‌شود. که در تحقیق حاضر عبارتند از: مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی آموزش کارآفرینی و تعامل مستمر با مراکز علمی.

۴- شرایط مداخله‌گر: عوامل تسهیل کننده و موانع

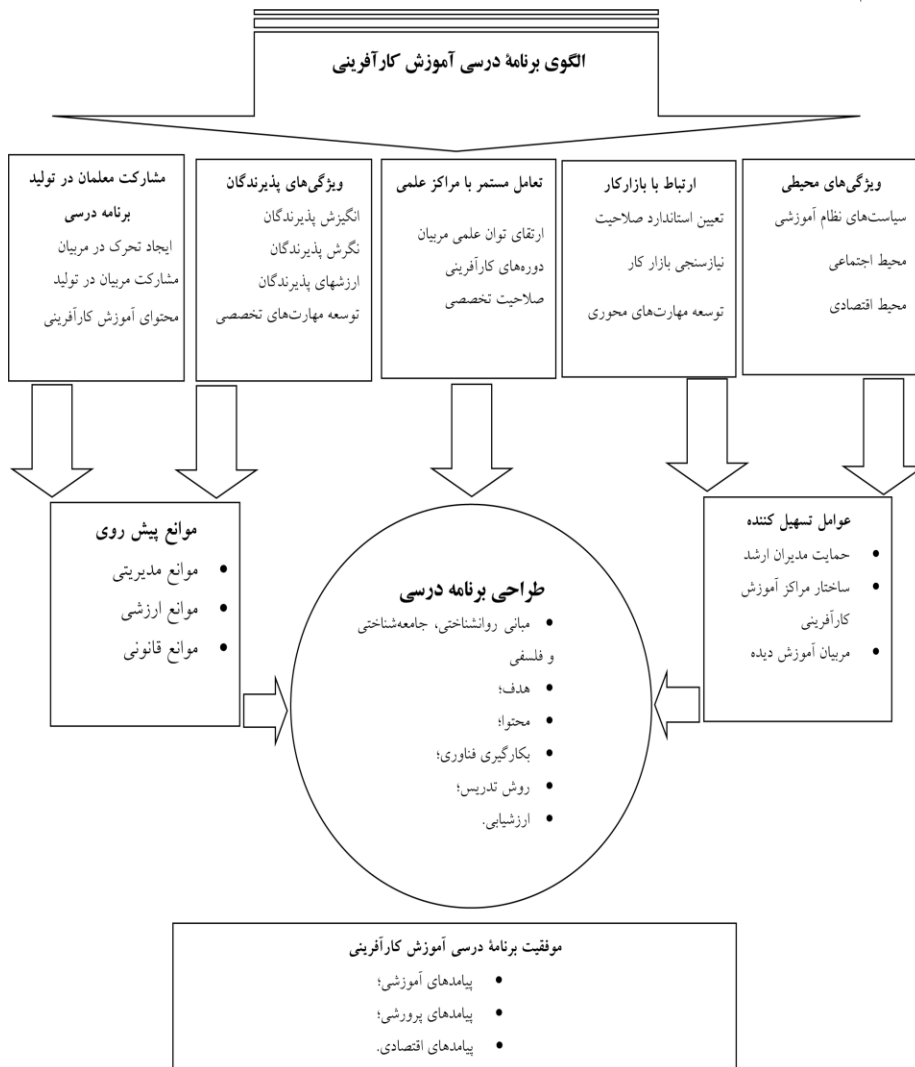
شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که در اجرای خط‌مشی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در دوره متوسطه اول، تاثیرگذار است. عواملی که در تحقیق حاضر در الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت مدیران مدارس، ساختار مراکز آموزشی و مربیان آموزش دیده. همچنین موانع عملیاتی، موانع مدیریتی، فرهنگ کارآفرینی و موانع قانونی، از جمله موانع پیش‌روی برنامه درسی آموزش کارآفرینی را هستند.

۵- بستر حاکم: ویژگی پذیرندگان

به شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تاثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند و در الگوی معرفی شده عبارتند از: انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان، ارزش‌های پذیرندگان و توسعه مهارت‌های تخصصی.

۶- پیامدها: موفقیت برنامه درسی آموزش کارآفرینی برخی از مقوله‌ها، بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در پژوهش حاضر، رخداد نتایج

تصمیم‌گیری، شامل پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی، نتیجه کنش‌ها و تعاملات ایجاد شده و تاثیرپذیر از شرایط علی، مقوله محوری و بستر حاکم می‌باشد، که عوامل متعددی را شامل می‌شود. شکل زیر ایجاد ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم نمایش می‌دهد.



شکل ۲. الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی

با توجه به مفهوم کلیدی پژوهش (برنامه درسی آموزش کارآفرینی) که سوالات اصلی مصحبه‌ها نیز بر اساس آنها تدوین شده است، شکل‌گیری برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس محصول مشترک و برساخت ذهنی ترکیب شده ۳۰ نفر از مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی است که در قالب یک الگوی پارادایمی به روش اکتشافی کیفی ارایه شده است. مقوله‌های استخراجی در این پژوهش به کمک خلاقیت محقق با هم ترکیب شده و مشترکاً به یک اتفاق نظر واحدی در ارتباط با برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس رسیده‌اند. در مجموع یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نشان داده که تدوین برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس در شرایط مختلفی اتفاق می‌افتد و ترکیب خلاقانه و هوشمندانه دیدگاه تعداد ۳۰ نفر از مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی به ارایه یک الگوی بومی کاربردی برای مدارس کشور منجر شده است. بومی بودن این الگو ماهیت کاربردی‌تر بودن آن را مشخص‌تر و بر اهمیت آن می‌افزاید.

کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی)

کدگذاری انتخابی عبارت است از فرآیند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تایید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. در این مرحله به تجزیه و تحلیل کلی و ادغام کردن شرایط مختلف پرداخته می‌شود که در کدگذاری محوری به آنها اشاره شد. در کدگذاری انتخابی، تلفیق داده‌ها اهمیت زیادی داشته و در رهیافت نظام‌مند برای آن، رویه‌هایی مطرح می‌شود. از جمله، بکارگیری یک روایت بر اساس روابط الگوی پارادایم. به عبارت بهتر، در کدگذاری انتخابی که مرحله اصلی نظریه‌پردازی به شمار می‌رود، مفاهیم باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند، به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. وقتی هدف مطالعه، شناخت کنش متقابل باشد، اولین قدم، بیان روابط کنش متقابل با نزدیک‌ترین شرایط موثر به آنها است. سپس محقق به دنبال وارد کردن طیف وسیع‌تری از شرایط و تحلیل‌ها است. این کار کمک می‌کند که ماهیت پدیده و اینکه چه چیز باعث

تداوم یا توقف آن شود روشن شده و نحوه شکل‌گیری آن، توضیح داده می‌شود. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز، ارتباط میان معیارهای الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در قالب تحلیل روایت تحقیق، تعیین شدند. بر این اساس «طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقوله محوری بر مبنای شرایط علی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» و از طریق راهبردهای «مشارکت مریبان در تولید برنامه درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان»، «به عنوان زمینه الگو» محقق می‌شود و منجر به تحقق «پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی» می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که، هم انگیزه پیشرفت و هم کارآفرینی، قابل آموزش و یادگیری هستند، لذا با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب می‌توان روحیه کار آفرینی را تقویت نمود و کارآفرینی را آموزش داد. نهادهای فرهنگ کارآفرینی در جامعه و نظام آموزشی و ایجاد دسترسی بیشتر به آموزش کارآفرینی، اولین قدم در راستای ایجاد فرهنگ نوآوری و ساختن موجی جدید از افراد و سازمان‌های کارآفرین است. آموزش کارآفرینی، منش کارآفرینانه طرز برخورد با مسائل و مهارت‌های شخصی را شامل می‌شود. به کار بردن این مهارت و شخصیت کارآفرینانه، به تأثیر مثبت و پایداری بر اقتصاد و اجتماع می‌انجامد. دانش-آموزان مدارس، سخت می‌کوشند تا در امتحانات کنکور و ورود به دانشگاه، موفق شوند و متأسفانه اکثراً آمادگی کافی برای فعالیت در بازار کسب و کار و قابلیت‌های علمی و مهارتی را ندارند. در آموزش کارآفرینی اروپا، کارآفرینانه بودن روش‌های تدریس و ترکیب افراد و اهداف آموزشی و تطبیق و همسویی این موارد با یکدیگر، مورد توجه قرار گرفته است. در انگلستان برای هر رشته دانشگاهی، چهار واحد درسی کارآفرینی منظور شده است. در رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی نیز به همین ترتیب، آموزش کارآفرینی جریان دارد. در این چهار واحد درسی، مراحل قانونی ایجاد شغل جدید و بالا بردن توانایی دانشجویان در شناخت اینکه، چطور و با چه ابزاری به خلق یک کسب و کار جدید اقدام کنند و ... پرداخته می‌شود. در کشور آلمان به منظور تسهیل یادگیری کارآفرینی و خوداشتغالی در دانشگاه‌ها، دولت فدرال با همکاری بانک توازن آلمان، اقدام به ایجاد کرسی‌های دانشگاهی برای این منظور نموده است. هدف از این

کار، تامین دسترسی عمومی به رشته کارآفرینی و آشنا سازی دانشجویان تمام رشته‌ها، با این موضوع‌ها و پرورش آن‌ها به عنوان کارآفرینان و تقویت تفکر و روحیه خود اشتغالی در زندگی آتی آنان است.

در این پژوهش نیز اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که بحث برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس باید توسط مدیران آموزشی دنبال شود. از آنجایی که ساختار ذهنی و بساخت‌های فکری مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی برای فهم این مساله و پیاده‌سازی آن در سطح مدارس مهم و حیاتی بود محقق به دنبال کشف این الگوها و بساخت‌های ذهنی برآمد و با استفاده از روش گراند تئوری اقدام به تدوین مدل برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس نموده است. بر اساس مصاحبه با مدیران آموزشی، متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی و کارآفرینی، الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس شناسایی شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، روش‌های تدریس مناسب برای برنامه درسی آموزش کارآفرینی عبارتند از: انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی، مشارکت فعال دانش‌آموزان در آموزش، کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش‌آموزان، ارائه فرصت مناسب به دانش‌آموزان جهت اندیشیدن به مسائل آموزش کارآفرینی، تلاش جهت پروراندن ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان، اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل کارآفرینی توسط دانش‌آموزان، توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری و بهبود مستمر فرآیندهای آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار کار هستند. بنابراین الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه و تبیین چگونگی ارتباط میان مولفه‌های اصلی و مولفه‌های فرعی، در قالب ارائه تم‌های تحقیق صورت گرفت. نتایج حاصل از بررسی مدل، نشان داد که براساس الگوی طراحی شده، "طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی" را به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه قلمداد کرده‌اند، از میان مقوله‌های موجود، «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازارکار» به عنوان عللی تلقی می‌شوند که نقشی فعال در الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی داشته و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه درسی آموزش کارآفرینی محقق نمی‌شوند. همچنین در تحقیق حاضر،

مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی آموزش کارآفرینی و تعامل مستمر با مراکز علمی به عنوان راهبرد در نظر گرفته شد. عواملی که در تحقیق حاضر در الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی، نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت مدیران مدارس، ساختار مراکز آموزشی، همچنین انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان و ارزش‌های پذیرندگان و توسعه تخصصی به عنوان بستر در نظر گرفته شدند.

منابع

آویژگان، مریم؛ میرشاه جعفری، ابراهیم؛ نصر، احمدرضا و چنگیز، طاهره. (۱۳۹۷). رهبری برنامه درسی با تاکید بر آموزش عالی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
ابراهیمی، سیدکاظم و زارعی، عظیم (۱۳۸۷). آموزش مهارت‌های کارآفرینی. مجله کار و جامعه، شماره ۱۰۰.

اجاقی، صبا؛ نادری، نادر و رضایی، بیژن (۱۳۹۵). ارزیابی مهارت‌های تدریس کارآفرینی بر اساس مدل بوریچ: رویکرد آمیخته. فصلنامه تدریس پژوهی، دوره ۴، شماره ۳، ص ۱۳۰-۱۴۳.

احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۶). کارآفرینی، تعاریف، الگوها و نظریات. تهران: انتشارات امیرکبیر.

اکبری، کرامت‌الله (۱۳۸۵). توسعه کارآفرینی، رویکرد آموزشی. چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

بهرامزاده، محمدمهدی؛ باورصناد، بلقیس و جعفرپور محمود (۱۳۸۹). ارزیابی نقش جو سازمانی در روحیه کارآفرینی دانش-آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز، مجله علوم تربیتی، دوره ۶، شماره ۱، ص ۱۸۰-۱۵۱.

پارسا، عبدالله؛ عبدالوهابی، مرضیه و ظریف، سکینه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شیوه‌های حل مسأله بر شخصیت کارآفرینانه (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)، مجله توسعه کارآفرینی، دوره ۴، شماره ۱۴، ص ۱۴۵ تا ۱۶۴.

پرهیزگار، مرتضی؛ شهیدی، عطیه و فتاح‌زاده، مریم (۱۳۸۷). اهمیت آموزش کارآفرینی. موجود



در دفتر طرح و توسعه سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان.

پیری، موسی؛ اسدیان، سیروس؛ محمدزاده، مرتضی. (۱۳۹۶). ارزیابی وضعیت اجرای برنامه درسی کار و فناوری پایه هفتم دوره اول متوسطه. مطالعات برنامه درسی، ۱۲(۴۵): ۱۱۹-۱۴۲.

جمشیدی کهنساری، حمزه و قاسمی، میثم (۱۳۸۷). کارآفرینی: نقش‌ها و مهارت‌ها. مجله کارآفرینی انجمن پروریس قم دانشگاه تهران، شماره ۱.

حسینی خواه، علی (۱۳۸۷). امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس کشور. همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی دوره راهنمایی و متوسطه. خنیفر، حسین؛ رسایی فرد، رسول و صفیان‌بلداجی، مهدی (۱۳۹۲). رویکرد میان‌رشته‌ای آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی. نامه‌ی آموزش عالی، دوره‌ی ۶، شماره ۲۴، ص ۱۱ تا ۳۴.

دانایی فرد حسن؛ امامی، سید مجتبی. (۱۳۸۶)، تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد: استراتژی‌های پژوهش کیفی، فصلنامه اندیشه مدیریت، شماره ۲: ۶۹-۹۷.

دهم‌رده قلعه‌نو، سمیرا؛ فطانت‌فرد حقیقی، میلاد و قرایی‌پور، رضا (۱۳۹۴). بررسی مدل‌های آموزش کارآفرینی. اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی.

www.sid.ir

روشن، محمدرحیم؛ سیفی، الهام؛ عبدالهی، بیژن؛ نوکانی، ژیلا و بنی‌جمالی، زهرا (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی بین آموزش کارآفرینانه‌ی معلم (اهداف، محتوا، ضرورت، شیوه و محیط آموزشی) با روحیه کارآفرینانه‌ی دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. مجله‌ی اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۱، شماره ۱، ص ۱۵۲-۱۷۹.

سبزه، بتول. (۱۳۹۷). آموزش کارآفرینانه به عنوان رویکردی جدید در آموزش کودکان. مطالعات برنامه درسی، ۱۳(۵۱): ۵۷-۸۰.

شیرازی، علی. (۱۳۷۳). مدیریت آموزشی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

طباطبایی، زهرا؛ اوجی‌نژاد، احمدرضا؛ قلتاش، عباس. (۱۳۹۴). «رابطه هوش اجتماعی با مهارت‌های کارآفرینی و اخلاقیت دانش‌آموزان هنرستان‌های شهر شیراز»، فصلنامه علمی-

پژوهشی رهیافت نو در مدیریت آموزشی، سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۲۱: ۸۵-۹۹.

علیزاده اقدم، محمدباقر؛ عباس زاده، محمد؛ حیاتی، صفر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه هوش اجتماعی با قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵(۳)، ۳۴۵-۳۶۸.

فدایی، غلامرضا؛ نقشینه، نادر و خسروجردی، محمود (۱۳۸۷). بررسی عوامل فرهنگی، آموزشی- پژوهشی، فنی- راهبردی و سیاستی دخیل در کارآفرینی آموزش عالی در گستره جهانی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، ص ۱۳- ۲۴.

لاکمن، توماس؛ برگر، پیتر ال. (۱۳۹۵). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کرسول، جولیت (۱۳۹۴)، پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده-بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی، ترجمه حسن دانایی فرد، حسن کاظمی، ویرایش دوم، تهران: انتشارات صفار.

کردنائیچ، اسدالله، رضائیان، علی و اکبری، حسن (۱۳۸۶). بررسی موانع کارآفرینی سازمانی: مورد مطالعه، شرکت صنعت چوب شمال، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۱۵۹.

میرسعیدی، گلنوش و سعیدکیا، ارسلان (۱۳۹۰). بررسی روش‌های نوین تدریس کارآفرینی. اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور، تهران، دانشگاه تهران،
<http://www.civilica.com>

وارث، سید حامد (۱۳۷۸). کارآفرین دولتی. مجله تحول اداری، شماره ۲۰، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مجلات تخصصی نور.

Albornoz, C. A. (2008). Toward a set of trainable content on entrepreneurship education: a review of entrepreneurship from an education perspective. *Journal of Technology, Management and Innovation*, 3(2): 86-98.

Birdthistle, N. (2008). An examination of tertiary students' desire to found an enterprise. *Education + Training*, 50(7): 552-567, <https://doi.org/10.1108/00400910810909027>

Creswell JW. (2007). *Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches*. London: sage publications.



Drakopoulou Dodd, S. & Hynes, B. (2012). The Impact of Regional Educational Contexts Upon Enterprise Education. *Entrepreneurship & Regional Development*, forthcoming. Dutta.

Edwards, L. J. & Muir, E. J. (2005). Promoting entrepreneurship at university of Glamorgan through formal and informal learning. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 12(4): 613-626.

Fayolle, A. (2007). Essay on the Nature of Entrepreneurship Education .

Fayolle, A. (2013). Personal views on the future of Entrepreneurship Education. *Journal of Entrepreneurship & Regional Development*, 25(7): 692-701. <https://scolar.google.com/citations?user>.

Fuchs, L. S., Fuchs, D., Stuebing, K., Fletcher, J. M., Hamlett, C. L., & Lambert, W. (2008). Problem solving and computational skill: Are they shared or distinct aspects of mathematical cognition? *Journal of Educational Psychology*, 100, 30 – 47. doi:10.1037/0022-0663.100.1.30

Gibb, A.A. (2011). Concepts into practice: Meeting the challenge of development of entrepreneurship educators around an innovative paradigm: The case of the International Entrepreneurship Educators Programme (IEEP). *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, 17(2): 146-165.

Gray, J. (2001). A new measure of entrepreneurial decision-making style.

Heinonen, J. & Poikkijoki, S. A. (2006). An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: Mission impossible?' *Journal of Management Development*, 25(1): 80–94.

<http://dx.doi.org/10.1108/00400911011017663>.

<http://dx.doi.org/10.1111/j.1540-6520.2005.00099.x>

<http://www.kmu.unisg.ch/rencontres/RENC2006/Topics06/A/Rencontres-2006-Fayolle>.

<https://doi.org/10.1108/00400911211274882>.

- Hynes, B., Costin, Y. & Birdthistle, N. (2011). Practice-based learning in entrepreneurship education: A means of connecting knowledge producers and users, *Higher Education, Skills and Work-based Learning*, 1(1): 16-28.
- Hytti, U. & O’Gorman, C. (2004). What is enterprise education? An analysis of the objectives and methods of enterprise education programs in four European countries. *Education + Training*, 46(1): 11–23.
- Jim Wu, Yen-Chun; Wu, Tienhua; Li, Yibin. (2017). Impact of using classroom response systems on students' entrepreneurship learning experience, *Computers in Human Behavior*, ISSN 0747-5632, <https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.08.013>.
- Jones, B. & Iredale, N. (2010). Enterprise education as pedagogy. *Education + Training*, 52(1): 7-19, <https://doi.org/10.1108/00400911011017654>.
- Katz, J.A. (1991). Endowed positions: Entrepreneurship and related Fields. *Journal of Entrepreneurship Theory and Practice*, 15(3): 53-67.
- Kickul, J., Gundry, L. K., Barbosa, S. D. & Simms, S. (2010). One style does not fit all: the role of cognitive style in entrepreneurship education. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 9(1): 36-57.
- Kuratko, D. F. (2005). The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trends, and Challenges. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 29, 577-598 .
- McKinley, Jim. (2015). Critical Argument and Writer Identity: Social Constructivism as a Theoretical Framework for EFL Academic Writing, *Journal of Critical Inquiry in Language Studies*, Volume 12, Issue 3, Pages 184-207, <https://doi.org/10.1080/15427587.2015.1060558>
- Mc Mullan, W. E. & Long, W. A. (1987). Entrepreneurship Education in the Nineties. *Journal of Business Venturing*. 2, 261–275.
- Mwasalwiba, E. S. (2010). Entrepreneurship education: a review of its

- objectives, teaching methods, and impact indicators. *Education and Training*, 52(1): 20 – 47.
- Neck, H. & Greene, P. (2011). Entrepreneurship education: known worlds and new frontiers. *Journal of Small Business Management*, 49(1): 55–70.
- Olokundun, Maxwell; Iyiola, Oluwole; Ibidunni, Stephen; Ogbari, Mercy; Falola, Hezekiah; Salau, Odunayo; Peter, Fred; Borishade, Taiye. (2018). Data article on the effectiveness of entrepreneurship curriculum contents on entrepreneurial interest and knowledge of Nigerian university students, *Data in Brief*, Volume 18, Pages 60-65, ISSN 2352-3409, <https://doi.org/10.1016/j.dib.2018.03.011>.
- Pittaway, Luke & Edwards Corina. (2012). Assessment: examining practice in entrepreneurship education. *Education + Training*, 54(8/9): 778-800.
- Powell, W. W. & Kurt, S. (2012). Amphibious Entrepreneurs and the Emergence of Organizational Forms. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 6, 94-115.
- Robinson, P. B., Stimpson, D. V., Huefner, J. & Hunt, H.K. (1991). An Attitude Approach to the Prediction of Entrepreneurship. *Journal of Entrepreneurship Theory and Practice (ETP)*, 13-31, <https://www.researchgate.net/publication/270820261> .
- Seikkula-Leino, J., Ruskovaara, E., Ikävalko, M., Mattila, J. & Rytkölä, T. (2010). Promoting entrepreneurship education: the role of the teacher? *Education + Training*, 52(2): 117–27.
- Solomon, G.T. (2008). Entrepreneurship education in the United States. *OECD Education & Skills*, 18, 95-118.
- Solomon, G.T., Duffy, S. & Tarabishy, A. (2002) The State of Entrepreneurship Education in the United States: A Nationwide Survey and Analysis. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 1(1): 1–22.